

در جهان امروز به دلیل ضعف‌ها و مشکلات فراوان و به طور کلی نابرابری گسترش یافته در جامعه ایرانی باید درباره عدالت و ضرورت توجه به این مقوله از حیث نظری و عملی گفت‌وگو شود. مقوله‌ای که به طور جدی رسالت آن همزمان بر دوش دانشگاهیان و سیاستمداران است.

هیچ جامعه سیاسی غیرعادلی را نمی‌شود در طول تاریخ سراغ گرفت که حیاتش تداوم داشته باشد؛ بنابراین موضوع عدالت از حیث سیاست‌گذاری همواره مسئله‌ای حساس و راهبردی است، به گونه‌ای که موفقیت و عدم موفقیت نظام‌های سیاسی در عرصه حکمرانی در پرتو گسترش عدالت در سطوح مختلف جامعه سنجیده می‌شوند. تردیدی نیست که مقوله عدالت و برقراری آن از مهم‌ترین حوزه‌های سیاست‌گذاری در جامعه سیاسی ایرانی است. در طول دهه‌های اخیر مسئله عدالت همواره در کانون توجه دولت‌ها و گفتمان‌های سیاسی مسلط در جامعه ایرانی بوده است و موفقیت و شکست دولت‌های پساانقلابی در پیوند با مسئله عدالت و ارزیابی آن در حوزه‌هایی مانند معیشت، آموزش، سلامت، پزشکی، بهداشت و آب مورد سنجش قرار گرفته است. در نتیجه، این نوع کنکاش‌های نظری درباره عدالت از این رو سودمند است که می‌توان بر مبنای آن‌ها برای برون‌رفت از مشکلات جامعه ایرانی نقشه راهی پیدا کرد.

